

بیشترین لذت، بیشترین شادمانی

جلد ۲

نسخه‌ای شفاف‌بخش برای دردهای زندگی‌ات

ویژہ همسران

یلا صوری



WJZ copy 9

747-449-AYF

التشعارات سفيرا ارد هالي

ملفات: ٢٠١٩/١٢/١٠ ١٢:٠٠:٠٠

سرنشانه	صوری، لیلا، ۱۳۵۱
عنوان و نام پدیدآور	بیشترین لذت، بیشترین شادمانی
مشخصات نشر	تهران: سفیراردهال، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	۳جلد
شابک	شابک دوره: ۶- ۲۹۸- ۳۱۳- ۶۰۰- ۹۷۸ ج ۱: ۵- ۲۹۵- ۳۱۳- ۶۰۰- ۹۷۸ ج ۲: ۴- ۴۷۴- ۳۱۳- ۶۰۰- ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبای مختصر
یادداشت	فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	ج ۲: (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فیبا)
مندرجات	ج ۱: راه غم را ببندید. ج ۲: نسخه‌ای شفاف‌بخش برای دردهای زندگی‌ات
شمه شابک ملی	۳۸۶۱۱۱۹



بیشترین لذت، بیشترین شادمانی (نسخه‌ای شفاف‌بخش برای دردهای زندگی‌ات) جلد دوم

تألیف: لیلا صوری
نویت چاپ: آوا، ۱۳۵۱

صفحه‌آرایی و طراح جلد: واحد آماده‌سازی سفیراردهال
لیتوگرافی، چاپ، صحافی: سفیراردهال

شمارگان: ۵۵۰ نسخه ♦ شماره نشر: ۱-۳۳
بها: ۷۰۰۰۰ ریال

© حق چاپ: ۱۳۹۵، انتشارات سفیراردهال www.safirardehal.ir

شابک دوره: ۶- ۲۹۸- ۳۱۳- ۶۰۰- ۹۷۸
شابک جلد دوم: ۴- ۴۷۴- ۳۱۳- ۶۰۰- ۹۷۸

نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۳۸۹۸-۸۸۳۱۹۳۴۲ کد پستی: ۱۵۸۱۸-۷۴۷۱۵ email: safirardehal@yahoo.com

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از: زین‌راکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۲۱	پیشگفتار
۲۱	اگر خوشبخت نیستی
۳۷	بخش اول: راز ذات انسانی در خانواده
۴۳	چرا بیشتر مردان به تماشای سبابتاز، خب و روزنامه علاقه دارند
۴۴	مرد محافظ و سرپرست خانواده
۴۶	با یکدیگر زیبا سخن بگویند
۵۲	عصبانیت مردان
۵۳	ابراز عشق با کلمات
۵۴	حساسیت، زودرنجی و ابراز احساسات در زنان ذاتیست
۵۶	راه چاره چیست؟
۵۸	با خانواده همسران با احترام رفتار کنید
۶۱	از قدرت نگاه غافل نشوید
۶۳	سپاسگزاری و قدردانی معجزه می کند
۶۵	ابراز عشق به شوهر با پذیرایی و استقبال
۶۹	راز حفاظت از زن
۷۱	تولد اولین فرزند
۷۳	ابراز عشق از طریق حمایت و کمک کردن
۷۵	توانگری در قناعت و سپاسگزاریست
۷۸	نیاز اصلی زن پول و خریدن نیست

- ۸۰..... ابراز عشق با هدیه دادن و پول خرج کردن
- ۸۲..... در مشکلات مالی بر خدا توکل کنید
- ۹۰..... خانه وسیع و مرکبی عالی عوامل راحتی و خوشبختی در خانواده
- ۹۱..... حفاظت از زن یک حس غریزی در وجود مرد
- ۹۳..... بخش دوم: نسخه‌ای شفاف‌بخش برای دردهای زندگی‌ات
- ۱۰۵..... وقتی حوصله نزدیکی ندارید
- ۱۰۷..... علت بحث دعوا و کم شدن تحمل
- ۱۰۹..... خانوادگی‌ها بهترین دارایی در هستی
- ۱۱۰..... جای خوابتان را از هم جدا کنید

www.ketaboo.ir

مقدمه

«مقدمه و پیش‌گفتار کتاب که می‌خوانید مهم‌ترین قسمت‌های کتاب بوده پیش‌نیاز برای درک مطالب کتاب هستند. چکیده جلد اول در این دو قسمت قرار داده شده امید است آن‌ها را با صبر و توجه بخوانید.»

در تمام نوجوانیم با شوق و بالندت، همه دستورات دین را تابع بودم. چون از دین فقط باید‌ها و نبایدها و فقط ظاهرش را آموختم. بدم تحت تأثیر اجتماع و دوستان به تدریج نسبت به دین دچار شک و تردید شدم. وقتی در دین دچار تردید شده بودم دیدن رفتارهای نادرست، از سوی به ظاهر مؤمن‌ها مرا به کلمه از دین روی گردان کرد. آن روزها نمی‌دانستم همه کسانی که در کربلا حسین و یارانش را قطعه قطعه کردند خیمه‌ها را وحشیانه به آتش کشیدند زنان و کودکان را تازیانه زدند به اسارت بردند، نماز می‌خواندند، به مسجد می‌رفتند و روزه می‌گرفتند. من آن زمان نمی‌دانستم دینداری فقط وقتی بالارزش می‌شود که از روی معرفت و آگاهی باشد نه از روی عادت و یاریا. باور کن کسانی که تو آن‌ها را مومن می‌پنداری و به خاطر رفتار نادرست آن‌ها، از دینت روی گردان می‌شوی مؤمن حقیقی نیستند. بسیاری از آن‌ها اهل کوفه هستند. باینکه نماز می‌خوانند، به مسجد می‌روند و عبادت می‌کنند اگر روزی صحنه عاشورا از نو تکرار شود به راحتی بر روی امامشان و بزرگان و

راهنمایان حقیقی دین شمشیر می‌کشند. دین فقط وقتی با ارزش می‌شود که از روی معرفت و یقین باشد نه از روی عادت و یا ریا. بسیاری از کسانی که ظاهر دین را دارا هستند، آن را از کودکی فقط به صورت عادت آموخته‌اند. آنها هیچ خبری از حقیقت دین ندارند.

آن روزها نمی‌دانستم دین هم علمی است مانند تمام علوم دیگر. همان طور که علم پزشکی برای سلامتی جسم است، علوم دینی، برای سلامتی در کل زندگی و در همه ابعاد آن است. مگر می‌شود به خاطر اینکه چند تا پزشک رفتاری نادرست دارند از همه پزشکان و علما پزشکی بیزار شد. اگر رفتار معلم ریاضی پر از اشتباه باشد، آیا می‌توان گفت که کل ریاضی و همه معلمین ریاضی بد هستند. وقتی جسم به بیماری سختی مبتلا شد برای بهبودی لازم است به طیب مراجعه کنیم. وقتی زندگی مان دچار مشکل و بحرانی می‌شود لازم است به دین و دین‌شناسان واقعی مراجعه کنیم. اجازه ندهید رفتارهای نادرست چند نفر شما را از کل دین و همه دینداران بیزار کند.

وقتی دینم را، یاد خدا و یاری خدا را از دست دادم، رنج‌های بی‌دینی را با تمام وجودم درک کردم. در تمام سال‌های غفلت، قلب و ذهنم دور از یاد خدا و نور او، سیاه و تاریک شد. متأسفانه در تمام این سال‌ها از تاریک و سیاه شدن قلبم بی‌خبر بودم. نمی‌دانستم تمام رنج‌هایم فقط به خاطر دور بودن از یاد خدا و نور اوست. در تاریکی ذهنم قادر به دیدن خوبی‌ها، زیبایی‌ها، نور و روشنایی نبودم. فقط بدی‌ها و عیب‌ها را می‌دیدم. در تاریکی ذهنم دچار جهالت و نادانی شده بودم در نتیجه درست را نادرست می‌دیدم و نادرست را درست می‌پنداشتم. برای تمام رنج‌هایم، همه را مقصر می‌دانستم غیر از خودم. حتی یک لحظه به این فکر نکرده بودم که شاید اشتباه از سوی خودم باشد و این بزرگترین اشتباه من بود. در تمام این سال‌ها با

این پندار غلط، با هر حرف و عملم به تدریج، محبت و عشق را در قلب خودم و همسرم سرد کردم. در حقیقت خودم دشمن خودم شده بودم. نهایتاً بی عشق همسرم و بدون یاد و یاری خدا، تنها و بی کس شدم. به تدریج تنهاییم به قدری عمیق و گرفتاریم به قدری سنگین شد که مرا با تمام وجود به در خانه خدا برد. من که خدا را سال‌ها از یاد برده بودم بحال در تنهایی کسی را جز او برای درد دل و شکایت نداشتم. او این کارم گله و شکایت از خدا بود. وقتی درک کردم جز خدا کسی را برای یاری خواستن ندارم تسلیم شدم و این آغاز نماز خواندن من بود. هر بار که با یاری گرفتن از نذر و دعا، نماز و دعایی خالص و قلبی، به طور معجزه آسا یکی از مشکلات حل می شد خودم را روی دستان خدا احساس می کردم و قلبم از شوق و محبت خدا پر می شد.

پس از بازگشت دوباره به دین همه را به کندی پیش می رفت هنوز ذهنم از تردید پر بود. آن روزها سخت ترین روزهای رسالت من بود. زمان زیادی طول کشید تا تردیدهایم برطرف شوند و در خواندن نماز پایا ری و یقین برسم. سال ها به دنبال استاد گشتم، استادی دانا و دلسوز تا راه رسیدن به مقصد را بر من هموار سازد. از هر کس فکر می کردم چیزی بیشتر از من می داند می رستم ولی بی فایده بود. آدرس های غلط و زمان هایی که از دست می دادم. تا اینکه در پاسخ به جستجوهایم و با لطف خدا دوستی مرا با حفظ قرآن آشنا کرد. قبل از این آشنایی ارتباط من با قرآن بسیار اندک و در حد صفر بود. هیچ کس تا آن روز درباره اهمیت خواندن قرآن با من سخنی نگفته بود. در سال های غفلت همیشه دینم را با ادیان دیگر قیاس می کردم. بی خبر از این معجزه بزرگ هستی که دین اسلام در اختیار پیروان خود قرار داده بود، تحت تأثیر تبلیغ و تلقین های دیگران، ادیان دیگر را بر دین خودم ترجیح می دادم. واقعاً من چگونه می توانستم دینم را با ادیان دیگر قیاس کنم

در حالی که هیچ شناختی نسبت به دین خودم و ادیان دیگر نداشتم. من به عنوان یک مسلمان هیچ گاه مطالعه‌ای در دینم نکرده بودم در نتیجه کورکورانه فقط حرف‌ها و تلقین‌های نادرست دیگران را باور می‌کردم.

مدت یک سال مداوم قرآن حفظ می‌کردم. به خاطر هم‌نشینی مداوم با قرآن در مدت یک سال، به‌طور خودکار از درونم به درکی نو و تازه از زندگی و انسان‌ها دست یافتیم. درک و شناختی که زندگی و دنیا را برایم زیبا، روشن و دوست داشتنی می‌کرد. این درک به زندگی‌ام و به تمام لحظه‌هایم معنی می‌بخشید و مرا از بودنم و زندگی که دلم خشنود می‌ساخت. از آن روز استاد، دوست و همراه من قرآن شد. با دوستی و آن گویی هیچ ترس و هیچ اندوهی وجود نداشت. هر ترسی و هر اندوهی با این درست‌تر و با این همراهی به سرعت برطرف می‌شد.

من با شروع حفظ قرآن راه نجاتم تا بهشت را در مدت کوتاهی طی کردم. وقتی برای اولین بار زندگی کردن و نفس کشیدن در بهشت را تجربه کردم تازه فهمیدم سالها اسیر چه جهنمی بوده‌ام. وقتی سالهای زیادی در جهنم توقف داری به دردها و رنجهای آن عادت می‌کنی طوری که هیچ یادداشتی از بهشت در ذهنت باقی نمی‌ماند. تا وقتی بهشت را تجربه نکرده باشی عمق دردی را که به آن مبتلا هستی درک نخواهی کرد. اگر به زندگی در جهنم عادت کرده باشی هیچ گاه زندگی در بهشت را آرزو نخواهی کرد. کسی که بعد از سالها زندگی در جهنم یکبار زندگی بهشتی را تجربه کرد به هیچ قیمتی حاضر به از دست دادن آن نیست. فقط با چنین باوری از خواندن قرآن خسته نخواهی شد چون می‌دانی و یقین داری خواندن قرآن ضامنی برای بودن در بهشت است. وقتی با گناهی حتی کوچکترین آن، در عمیق‌ترین نقطه جهنم سقوط می‌کنی و از بودن در بهشت محروم می‌شوی پشیمانی

چنان تمام وجود را فرامی گیرد که دیگر هیچگاه آن گناه را برای بار دوم تکرار نمی کنی. چون خوب می دانی فقط نادیده گرفتن یک دستور و فقط یک گناه کافیست تا از بهشت اخراج شوی. تحمل رنج زندگی در جهنم چقدر سخت است وقتی تازه در آن داخل شده ای. ولی حالا دیگر درمانده و ناامید نیستی چون راه رسیدن به بهشت را خوب می دانی. خواندن نماز توبه (نماز امیرالمومنین) و شروع دوباره. حالا تو خوب می دانی فقط کافیست قرآن را به دست بگیری و آنرا بخوانی. (با معنی، بدون معنی یا صدا، بدون صدا) فقط لمس کردن و نگاه کردن به قرآن کافیست، تو از جهنم نجات یابی. رمز نجات در این است که قرآن را مداوم و بدون توقف بخوانی. این خواندن را تا رسیدن به بهشت رها نکنی و همراه با آن با تمام وجود لحظه به لحظه مناسب باشی تا خطایی از تو سر نزنند. چون هر خطا یعنی سقوط. درست مانند اینکه آویخته به ریسمانی هستی که تو را از عمق دره ای مخوف بالا می کشد همین که ریسمان را رها کنی دوباره برمی گردی سر جای اولت. گویا قرآن سر ریسمانیست که از خود خدا تا عقیق ترین نقطه جهنم آویخته شده و تو با خواندن قرآن به این ریسمان چنگ می زنی و توبه می کنی از آن بالا می روی. هر طور که می توانی قرآن را بخوان و به این ریسمان آویخته باش. هر چند بار که توبهات را شکستی و سقوط کردی خسته و ناامید نشو، توبه کن دوباره حرکت را از سر بگیر. وقتی دوباره لایق بهشت می شوی به خودت قول می دهی که دیگر اشتباه نخواهم کرد و دیگر به جهنم باز نخواهم گشت. ولی باز هم فقط از روی ناآگاهی و یا یک لحظه غفلت دچار اشتباه می شوی وقتی خود را در جهنم خطای خود می بینی تازه به خود می آیی و باز هم

آیا می ترسی؟ آیا نگران و آشفته هستی؟ آیا ناامید هستی؟ آیا مدام ناراحت و عصبانی می شوی؟ آیا ناراضی هستی؟ اگر پاسخ آری است هم اکنون در جهنم

به سر می‌بری. برای رهایی با تمام وقت و با تمام توانت قرآن بخوان، تا صعودت به سوی بهشت آغاز شود، به همین سادگی. خواندن قرآن نه تنها باعث صعود توست بلکه به تدریج توانت را برای مقاومت در برابر وسوسه و دوری از گناه بالا می‌برد.

آیا از زندگی راضی هستی؟ آیا از زندگی کردن لذت می‌بری؟ آیا انسانها را با تمام وجود دوست داری حتی خطاکارترین آنها را؟ آیا انسانها را زود می‌بخشی و بدیها را نادیده می‌گیری؟ آیا قلبت از امید و شادی پر است؟...؟ اگر پاسخخت آری، بدان که ساکن در بهشتی.

با حفظ کردن قرآن و خواندن مداوم آن، نور قرآن در درونی‌ترین لایه‌های وجودم وارد شد. قرآن اعم از خود مرا از درون پاک و تازه کرد. هیچ چیز را قوی‌تر از حفظ قرآن برای پاک‌سازی و آرام‌سازی ذهن و زندگی نیافتم. دین قرآن عملی است، عمل به دستورات دین، حقیقت عمل به قرآن است. وقتی قرآن را حفظ می‌کنیم از تمام ظرفیت‌های قرآن بهره می‌بریم در نتیجه آماده پذیرش همه دین و عمل به تمام دستوراتش می‌شویم. همه دین یعنی زندگی همراه با ایمان و زندگی همراه با ایمان یعنی صد درصد درست و خوشبخت زندگی کردن.

باور کنید خواست خداوند برای همه ما نهایت خوشبختی، لذت و شادمانی است. کمال خوشبختی، لذت و شادمانی در عشق و در خانواده فرار داده شده. عشق به خداوند و عشق به همسر لذتی است که تا آن را تجربه نکرده باشیم لذت و عظمت آن را درک نخواهیم کرد. خداوند به هیچ وجه برای ما درد، رنج و غم را نمی‌خواهد. تمام دردها و رنج‌های زندگی فقط به خاطر غفلت، اشتباه و از همه مهم‌تر ناآگاهی خودمان است. باور کنید در درد و رنجی که کشیده‌اید هیچ کس، هیچ کس مقصر نیست الا خودتان. وقتی دست از سرزنش این و آن و مقصر دانستن دیگران برمی‌دارید و باور می‌کنید که مقصر خودتان هستید قدم در راهی می‌گذارید که

انتهای آن خوشبختی است. تا وقتی برای هر چیز از همسرت و دیگران توقع داری، مدام برای هر ناراحتی، خطا و اشتباه دیگران را سرزنش می کنی و مقصر می دانی هر روز حالت بدتر از دیروز خواهد شد.

باور کنید هیچ انسانی بی عیب و بی اشتباه نیست. اگر در ازدواج به دنبال انسانی کامل و بی عیب و اشتباه باشید قطعاً بی همسر خواهید ماند چون چنین شخصی در دنیای حقیقی وجود ندارد. آنچه شما در همسران (و دیگران) می جوئید و به خاطر نداشتن آن، همسران (و دیگران) را سرزنش می کنید صفات خداوند است. شما نمی توانید دیگران را همسران را مجبور کنید تا رفتارشان را طبق میل و خواست شما عوض کنند. دیگران و همسران آن طور که دوست دارند و آن طور که یاد گرفته اند و سال ها عادت کرده اند، رفتار خواهند کرد.

باور کنید در خطا و اشتباه غارتبار دیگران جای هیچ سرزنشی وجود ندارد. خطا و اشتباه لازمه انسان بودن، یاد گرفتن، و کمال است. متأسفانه با هر خطا و اشتباه رنجی همراه است که بدون آن بزرگی شان و نزدیک شدن به خدا و کمال میسر نخواهد شد. اگر کودکمان بارها و بارها درددل به زنجی خوردن را نچشد به لذت راه رفتن، دویدن و روی پای خود ایستادن نمی رسد.

اگر خطایی و رنجی نباشد یاد گرفتن، کامل شدن و روبه جاری شدن هم نخواهد بود. در هر خطا و در هر رنج، درسی و تجربه ای قرار داده شده که این با صبر آن را آموخت. آنچه ناپسند است این است که یک اشتباه و رنج حاصل از آن بارها و بارها در زندگی تکرار شود. این یعنی عمر می گذرد و ما سال ها است که در جا می زنیم. درست مثل اینکه در مدرسه زندگی هر کلاس را ده ها بار مردود شوی و مجبور باشی آن را از اول بخوانی. فکر می کنی با این اوضاع بتوانی در مدرسه زندگی به مرتبه دکتر، بهشت یزدان و کمال مطلوب خود برسی.